

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

پاول جوزف واتسون

ترجمه: ا. م. شیری

اول دسمبر ۲۰۱۱

کودتای بانکداران

«گلدمن ساکس در اروپا قدرت را به دست می گیرد».

همانطور که ما در این مدت هشدار دادیم، خود همین تروریستهای اقتصادی مسؤول ورشکستگی اقتصادی، اینک تلاش می کنند با بهره گیری از بحران، خود را ناجی معرفی نموده، کودتای بانکداران یعنی، خدمتکاران «گلدمن ساکس» را که اکنون، هم بانک مرکزی ایتالیا و هم بانک مرکزی اروپا را در کنترل خود دارند، سرپرستی کنند. هدف از کودتا، استفاده از بحران بدهی منطقه پولی یورو به مثابه ابزاری برای ساختن ابرقدرت فدرال اروپا می باشد که بتواند بقایای نظارت بر منافع ملی را به زیر کنترل بروکسل در بیاورد. جهانی سازان این پروسه را با انتخاب دو خدمتکار به منظور تعویض با نخست وزیران انتخابی یونان و ایتالیا آغاز کردند. سیلیو برلسکونی برای اروپا سرهنگ قذافی بود. گذشته از خصلتهای تنفرانگیز او، برلسکونی مانعی در سر راه کودتا بود و به سرعت، البته نه با اراده خلق، بلکه، به قول استیون فریس، از همکاران «تایمز»، با اقدام خودیهای مسلط بر بازارها از مقام خود برکنار گردید.

روز دوشنبه سرمایه گذاران، به نظر می رسد، تصمیم جمعی مبنی بر این گرفتند که دیگر نمی توان رهبری سومین اقتصاد بزرگ منطقه پولی یورو را به او اعتماد کرد و هزینه استقراض برای ایتالیا را تا سطح بحرانی افزایش دادند. تا پایان هفته نه تنها به مسأله برلسکونی، حتی به خود ایده برگزاری انتخابات برای انتخاب جانشین او خاتمه داده شد. بازارها حرف خود را زدند و ایده مراجعه به آرای عمومی خوشایند آنها نبود. همین مفهوم را هرمان وان رومپوی، رئیس شورای اروپا در دیدار روز جمعه خود از رم چنین بیان کرد: «برای کشور انجام اصلاحات لازم است نه انتخابات».

جانشین برلسکونی، گماشته ایده آل جهانی سازان، ماریو مونتی، کمیسر سابق شورای اروپا، مشاور «گلدمن ساکس»، نماینده اروپا در کمیسیون سه جانبه دیوید راکفلر و همچنین عضو رهبر گروه بیلدربرگ می باشد. مونتی،

دو دست مطمئنی است که در مرحله بعدی کودتای بانکداران، یعنی زمانی که از بحران منطقه پولی یورو برای تمرکز بیشتر قدرت در دست همان آدمها که از همان ابتداء باعث این بحران شدند، استفاده خواهد شد.

الکساندرو سالیوستی، سردبیر «ایل ژورنال» (Il Giornale)، روزنامه میلانی وابسته به خانواده برلسکونی، اوضاع را چنین تصویر می کند: «این گروه جنایتکاران، ما را به فاجعه مالی گرفتار کردند. چگونه می توان از آتش افروزان تقاضای فرونشاندن آتش را کرد...».

زمانی که نخست وزیر یونان، گئورگیوس پاپاندرو در صدد برآمد طی رفراندومی از مردم یونان نظرخواهی نماید، با او نیز به طرز مشابهی رفتار نموده و در عرض چند روز، لوکاس پاپادموس، نایب رئیس سابق بانک مرکزی اروپا، استاد مدعو دانشگاه هاروارد و اقتصاددان ارشد پیشین بانک فدرال رزرو بوستون را به جای او نشاندد.

پاپادموس و مونتی بدان جهت به عنوان رهبران غیرمنتخب برگمارده شدند که آنها، همانطور که فریس باز هم در تحلیل کلیت بنیانگذاری دیکتاتوری و غیردمکراتیک اتحادیه اروپا می گوید، «مستقیماً پاسخگوی مردم نیستند».

روز جمعه ما بر آن تأکید کردیم که چگونه حملات آتشین لفظی مبنی بر ارتباط پایان سریع جهان با سقوط منطقه پولی یورو می تواند یک حقه بازی دیگر برای تمرکز هر چه بیشتر قدرت در دست اتحادیه اروپا و تلاشهای آن برای تشکیل دولت اقتصادی مرکزی اروپا باشد که بتواند تصمیمات خود را به همه کشورهای عضو دیکته کند.

همانطور که انتظار می رفت بانکهای مرکزی اروپا اینک تشکیل سازمانی را اعلام می کنند که باید «منطقه یورو» را از طریق کمکهای مالی ایتالیا، فرانسه و اسپانیا نجات دهد.

و اما چه کسی را به ریاست بانک مرکزی اروپا تعیین کرده و «ناجی اروپا» معرفی کردند؟ این فرد شخص دیگری جز ماریو دراگی، نایب رئیس سابق «گلدمن ساکس انترناسیونال» نیست. به روند مسأله توجه می کنید؟

البته، شرایط این نجات اتفاقاً بدان منتهی می شود که اوروکراتها از اول می خواستند. یعنی، همانطور که دیروز آنگلا مرکل صدر اعظم المان اظهار داشت: به یک «اتحاد هر چه محکمتر»، یا، به سخن دیگر، به یک قدرت بزرگ فدرال که بتواند بقایای استقلال و حاکمیت ملی دولتهای اروپائی را در دست بروکسل متمرکز نماید.

همه بحران بدهی اروپا، یعنی کودتای جنجالی بانکداران، همان تدبیر اندیشیده شده برای تسلیح خود تروریستهای مالی می باشد که با اخذ مقدار معتناهی وام از بازار، موجبات اولین سقوط را در سال ۲۰۰۸ فراهم آوردند.

جنایتکاران و مجرمانی که حبابهای بازار مسکن را ترکاندند، اینک از میان خود قهرمانانی می سازند که برای کمک به حل بحران اقتصادی جهانی به حساب دولتهای اروپایی منصرف از اعمال کنترل بر اقتصاد کشور خویش به نفع دیکتاتورهای غیرانتخابی مثل هرمان وان رومپوی و ژوزه مانوئل باروز فرستاده اند.

<http://www.warandpeace.ru/ru/commentaries/view/63760>

<http://eb1384.wordpress.com/2011/11/29>

۸ آذر [قوس] ۱۳۹۰